

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان مقاله:

فرجام بشریت در تطبیق نگرش اسلام و مسیحیت

نام و نام خانوادگی محقق:

احسان پوراسماعیل

نشانی صندوق الکترونیکی:

Info@ehsanpouresmaeil.com

Ehsan_pouresmaeil@yahoo.com

تاریخ تدوین: اردیبهشت ۱۳۹۵

این مقاله مستخرج از پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد نگارنده است که برای اولین بار در کشور در دو سال پیاپی (۱۳۸۶ و ۱۳۸۷) در نمایشگاه بین المللی قرآن به عنوان پایان نامه‌ی برتر مورد تقدیر وزارت علوم قرار گرفت.

چکیده

در عصر کنونی با وجود ایدئولوژی‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، دین بهترین گزینه در شناخت و دریافت آینده‌ی بشریت است؛ در این میان اسلام و مسیحیت نیز از آینده سخن گفته‌اند. تطبیق این دو آیین از آن رو که اسلام مدّعی کامل‌ترین دین و مسیحیت با وجود تحریف‌های فراوان پرتطرفدارترین دین ابراهیمی است، نگارنده را برآن داشت تا تصویر آینده را در این دو مکتب بررسی کند. از این رو بعد از جست و جو در منابع، به تطبیق نقاط مشترک اخبار اسلام و مسیحیت پرداخته شد که حاصل آن در این نوشتار به بیست مورد تطبیقی رسید.

در این نوشتار بعد از ترسیم نمای کلی جهان قبل از ظهور که با انحراف و فساد، مرگ و میر فراوان و بلایای طبیعی همراه است به بحث پر چالش نشانه‌های ظهور در دو مکتب پرداخته شده است و از ارائه‌ی نشانه‌هایی از آسمان تا وجود موعودهایی دروغین در روی زمین و نشانه‌هایی که حتمی به نظر می‌رسد تبیین شده‌اند تا بعد از مشخص شدن تکلیف منتظران هر دو آیین، به بازگشت حضرت عیسی (علیه السلام) و ظهور امام زمان (علیه السلام) در فرجام جهان پرداخته شود.

در بخش پایانی به جهان بعد از ظهور در طراحی یاوران موعود، و گستره‌ی حکومت عدالت محور آخرین حجت-خدا در سراسر گیتی اشاره شده است.

کلیدواژه

آینده، فرجام شناسی، قرآن، حدیث، عهدجدید، مهدی (علیه السلام)، عیسی (علیه السلام)

دین، مدّعی است همه‌ی نیازهای بشر را سامان می‌بخشد، از این رو باید برای بشر فضایی روشن از آینده را ترسیم کند تا با برنامه‌ریزی صحیح بتوان زندگی آرامی را تجربه کرد.

آینده از مصادیق غیب بوده که قرآن، ایمان به آن را از نشانه‌های متقین برشمرده است؛ ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ؛ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...﴾^۱ یعنی: این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست؛ [و] مایه هدایت تقوایندگان است: آنان که به غیب ایمان می‌آورند.

به یقین، خبری از آینده مورد اطمینان است که از سرچشمه‌ی الهی، گرفته شده باشد؛ از این رو متوکلان مکتب اسلام ضمن ادعای آگاهی از آینده با تأکید بر جامعیت قرآن، به ترسیم آن چه که هنوز به وقوع نپیوسته، پرداخته‌اند؛ به عنوان مثال شیخ مفید، یکی از دلیل‌های امامت علی (علیه السلام) را خبرهای غیبی آن حضرت معرفی می‌کند.^۲ همین نگرش در مسیحیت نیز وجود دارد، اما منحصر در اخبار حضرت عیسی (علیه السلام) است. واگویی آینده توسط این فرستاده‌ی خدا را نیز باید از معجزات مسیح برشمرد که قرآن، از آن به صراحت یاد می‌کند: ﴿وَأَنبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُم إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾^۳ بر اساس این آیه، مسیح از آن چه مردم می‌خورند و هر آن چه ذخیره می‌کنند، آگاهی دارد که این علم و آگاهی آیتی بر حقانیت این نبی خداست.

بر اساس آیات وحیانی، آگاهی از غیب در انحصار خداوند متعال است که به هر کس که بخواهد عنایت می‌کند؛ ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا؛ إِلَّا مَن ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ﴾^۴ یعنی: خداوند به غیب آگاه بوده و بر غیب خود هیچ کس، جز افرادی از رسولان‌اش که پسندیده‌ی درگاه او هستند را مطلع نمی‌سازد. ﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيُذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ﴾^۵ یعنی: همواره خداوند شما را به غیب آگاه نمی‌ساخته ولی از پیامبران خود کسانی را که بخواهد انتخاب می‌کند.

رابطه‌ی غیب و آینده به این خاطر است که آینده، امری مخفی بوده که خداوند به برگزیدگان خویش به هر میزان که می‌خواهد، ارزانی می‌دارد. پیامبران و امامان با دو روش به بیان آینده پرداخته‌اند، گاهی در ذیل آیات قرآن و زمانی بدون اشاره به آیات قرآن، در قالب احادیث و روایات به این امر پرداخته‌اند که امروز به همین سبک به ماریسیده است.^۶ از امام صادق (علیه السلام) نقل است که فرمود: «به خدا سوگند من کتاب خدا را از آغاز تا انجام- اش می‌دانم، گویی در دست من است، خبر آسمان و زمین در قرآن است، و نیز خبر گذشته و آینده، خدای عزوجل می‌فرماید: بیان هر چیزی در آن است».^۷

^۱. البقره، ۲ و ۳.

^۲. همو، ۱/ ۴۵۵.

^۳. آل عمران، ۴۹.

^۴. الجن، ۲۶ و ۲۷.

^۵. آل عمران، ۱۷۹.

^۶. نک: رفیق دوست، رضا و پوراسماعیل، احسان، پیش‌گویی قرآن درباره‌ی آینده، ص ۱۷۹.

^۷. شیخ کلینی، ج ۱، ص ۲۲۹.

اگر چه کتاب مقدس دستخوش تحریف‌های فراوانی شده است^۱ اما با مقایسه و تطبیق صحیح مسیحیت با اسلام، می‌توان به نقاط مشترکی از آموزه‌ها و باورهای مشترک پی برد. از این رو در این نوشتار برآنیم تا بدانیم، اسلام به عنوان مدعی کامل‌ترین دین و مسیحیت به عنوان پر طرفدارترین آیین، چه آینده‌ای برای بشر ترسیم می‌کنند؟

الف) نمای کلی جهان قبل از ظهور

۱- انحراف و فساد:

پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) درباره‌ی شرایط قبل از ظهور حضرت مهدی (علیه‌السلام) در حدیثی که به علت مضامین سنگین آن شاید بتوان به حدیثی تأسف برانگیز از آن یاد کرد، می‌فرماید: «... وَ كَثُرَ الْجَوْرُ وَ الْفَسَادُ وَ ظَهَرَ الْمُتَكَبَّرُ...»^۲ یعنی: آن هنگامی خواهد بود که ... بیداد و فساد زیاد شود و ناشایست پدیدار گردد.... در این حدیث پیامبر بزرگوار اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با استفاده از علم غیب به نام بردن یکان یکان گناهانی که بشر در آینده‌ی خود بدانها مرتکب می‌شود، اشاره می‌کند و این همان تأیید خبر حضرت عیسی (علیه‌السلام) است که می‌گوید: «و به جهت افزونی گناه، محبت بسیاری سرد خواهد شد.»^۳

انسان قبل از ظهور منجی، از صفات اخلاقی فاصله گرفته و از اصالت حقیقی خویش دور می‌شود. فساد و انحراف اخلاقی منجر به بروز اعمال ناپسند و گسترش اعمال منافی عفت می‌گردد.^۴ بنیان خانواده آن چنان سست می‌گردد که مردم آرزوی کمی تعداد فرزندان را در سر می‌پروراندند،^۵ و تعداد خانواده‌های بی‌سرپرست به اوج خود می‌رسد.^۶

از نظر امنیت، هرج و مرج دنیای را فراگرفته و کوچک به بزرگ رحم نمی‌کند،^۷ دامنه‌ی ناامنی به راه‌ها هم کشیده می‌شود، و برخی بر عله‌ای هجوم می‌آورند.^۸ مرگ‌های ناگهانی، امان ساکنان کره‌ی زمین را از دست می‌دهد.^۹ جنگ جنگ و کشتار همه جا را فرا گرفته و فتنه بر زمین سایه می‌افکند.^{۱۰}

در تعالیم مسیحیت آمده است: «و لیکن روح صریحاً می‌گوید که در زمان آخر، بعضی از ایمان برگشته، به ارواح مضلّ و تعالیم شیاطین اصغا خواهند نمود، به ریاکاری دروغگویان که ضمائر خود را داغ کرده اند؛ که از مزاجت منع می‌کنند و حکم می‌نمایند به احتراز از خوراک‌هایی که خدا آفرید برای مؤمنین و عارفین حق تا آنها را به شکر

^۱ . نک: پوراسماعیل، احسان، آینده‌ی بشریت از دیدگاه قرآن و عهد جدید، ص ۲۶

^۲ . شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱ ص ۳۵۰.

^۳ . لوقا: ۲۴، ۱۲.

^۴ . نک: سلمی، عقد الدرر، ص ۳۳۳، کلینی، الکافی، ج ۸ ص ۳۹.

^۵ . نک: دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۵ ص ۲۲۷، و طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۰ ص ۱۲.

^۶ . سلمی، عقد الدرر، ص ۲۳۲.

^۷ . طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲ ص ۱۰۱.

^۸ . نک: سلمی، عقد الدرر، ص ۱۵۲، علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۵۴ و ۲۶۶.

^۹ . نک: سلمی، عقد الدرر، ص ۶۵، علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۱۱.

^{۱۰} . شیخ کلینی، الکافی، ج ۸ ص ۲۱۳.

گزاری بخورند؛ زیرا که هر مخلوق خدا نیکوست و هیچ چیز را ردّ نباید کرد، اگر به شکر گزاری پذیرند، زیرا که از کلام خدا و دعا تقدیس می‌شود.^۱

۲- مرگ و میر فراوان :

در انجیل آمده است: «اما چون جنگها و اخبار جنگها را بشنوید، مضطرب مشوید زیرا که وقوع این حوادث ضروری است، لیکن انتها هنوز نیست».^۲

از سویی در حدیث آمده است: «بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ مَوْتُ أَخْمَرُ وَ مَوْتُ أَبْيَضُ ... فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَخْمَرُ فَالسَّيْفُ وَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاغُوتُ»^۳ یعنی: پیشاپیش ظهور حضرت قائم (علیه السلام) دو نوع مرگ خواهد بود: مرگ سرخ و مرگ سفید... مرگ سرخ به وسیله شمشیر و مرگ سفید با طاعون محقق خواهد شد.

در حدیثی که ابو بصیر و محمد بن مسلم از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل کردند، چنین آمده است: «این امر صورت نخواهد گرفت تا این که دو سوم مردم از میان می‌روند. گفته شد: اگر دو سوم مردم از میان برود چه کسی باقی می‌ماند؟ فرمود: آیا خوشحال نیستید که شما یک سوم باقی مانده باشید؟»^۴

در حدیث دیگری که بزنی از امام رضا (علیه السلام) نقل نموده، چنین آمده است: «قَدْ أَمَّ هَذَا الْأَمْرَ قَتْلُ يُسُوحَ قُتِلَ وَمَا الْيُسُوحُ قَالَ دَائِمٌ لَا يَفْتَرُ»^۵ یعنی: پیشاپیش این امر کشتار بسیار داغی است. عرض کردم: یسوح به چه معناست؟ فرمود: کشتار مدامی که سرد نشود و سستی نپذیرد و از شدت آن کاسته نشود.

۳- بلایای طبیعی :

از سویی در انجیل‌ها می‌خوانیم که بلایای طبیعی نظیر: قحطی و زلزله، زندگی بشر را به مخاطره خواهند انداخت: «و قحطی‌ها و ... زلزله‌ها در جای‌ها پدید آید».^۶

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که فرمودند: «أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَالٍ»^۷ یعنی: «به مهدی (علیه السلام) بشارت‌تان باد ... هنگامی که مردم بر اختلاف و چند گانگی‌اند و هم‌زمان با زلزله سخت، قیام می‌کند». یا امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «قائم (علیه السلام) به پا نمی‌خیزد مگر هنگامی که ترس شدید و زلزله و آزمایش و مصیبتی که به مردم می‌رسد».^۸

از حضرت عیسی (علیه السلام) نیز خطاب به شاگردانش این چنین منقول است: «... و جنگها و اخبار جنگها را خواهید شنید. زهار! مضطرب مشوید؟ ... زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهد نمود و قحطی‌ها و وباها و زلزله‌ها در جای‌ها پدید آید».^۹

^۱ . رساله‌ی اوّل تیموتاوس، ۴: ۶-۱

^۲ . مرقس، ۱۳: ۷

^۳ . نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۷، و شیخ طوسی، الغیبه، ص ۶۷.

^۴ . شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۱۵۵، شیخ طوسی، الغیبه، ص ۳۳۹.

^۵ . حمیری، قرب الاسناد، ص ۱۷۰.

^۶ . متی: ۲۴، ۸ و لوقا: ۲۱، ۱۱ و مرقس، ۱۳: ۸.

^۷ . نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۴.

^۸ . شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۷۸.

^۹ . متی: ۲۴، ۶-۸.

آنچه در ذیل این آیه آمده است که با بسیاری از رویدادهایی که مسیحیت از آن سخن گفته است، سازگاری دارد: ﴿وَلَبَلُّوْكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾^۱ یعنی: ما شما را به به چیزی از قبیل ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جانها و محصولات می‌آزمائیم و مژده بده به آنها که شکیبا و ثابت قدم هستند.

محمد بن مسلم می‌گوید: امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه فرمودند: پیش از آمدن قائم (علیه السلام) علامتهایی برای مؤمنین خواهد بود. عرض کردم: آن علامتها کدامند؟ فرمود: بیماری‌های گوناگون که سبب ترس و دلهره است و بالا رفتن نرخها که سبب گرسنگی است و کاهش در اموال و جانها که قطعی و مرگ و میر فراوان است و نقص در محصولات که به نیامدن باران است. پس در آن موقع به آنها که در عقیده به ما ثابت می‌مانند مژده بده. آن‌گاه فرمود: ای محمد، این تأویل آیه است، و هیچ کس جز آنها که راسخ در علمند، تأویل آن را نمی‌دانند و ماییم راسخان در علم.^۲

روش خداوند، در بیدار کردن مردمان عصر غیبت امام عصر (علیه السلام) گرفتاری آنها در قحطی و خشکسالی است تا بعد از فرج نهایی به جرگه‌ی یاران حضرت قائم (علیه السلام) بپیوندند و در غیر این صورت و بعد از اتمام حجت، شمشیر مجازات گناهکاران خواهد بود. در البرهان فی تفسیر القرآن، در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۳ یعنی: ما آنها را از عذاب نزدیک قبل از عذاب بزرگ می‌چشانیم، شاید بازگردانند، از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «أن الأدنى: القحط، والجذب، والأکبر: خروج القائم المهدي عليه السلام بالسيف في آخر الزمان»^۴ یعنی: عذاب ادنی عبارت است از قحطی و خشکسالی و عذاب اکبر عبارت است از خروج قائم مهدی (عجل الله فرجه) با شمشیر در آخر الزمان.

ب) نشانه‌های ظهور

۱ - آیاتی از آسمان :

یکی از جلوه‌های قدرت الهی در آسمان تعریف شده است، پیشینه‌ی استفاده از عذاب‌های آسمانی به عصر پیامبران برمی‌گردد و جالب این که در عصر رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) نیز خدای متعال، چنین تذکری را به امت پیامبر آخرالزمان نیز داده است و آن، هنگامی بود که خدای متعال مردم را بعد از بی‌توجهی به آیات‌اش در زمین به آیتی آسمانی متوجه کرد و خاطر نشان می‌کند که باز هم کفار تسلیم نخواهند شد.

در تقسیم اتفاق‌های پیش از ظهور موعود (علیه السلام) آسمان دارای جلوه‌های خاص است؛ در آموزه‌های حضرت مسیح (علیه السلام) پیرامون آینده‌ی جهان این‌گونه آمده است: «آن‌گاه علامت پسر انسان در آسمان پدید می‌گردد».^۵ می‌گردد.^۵ و روایات اسلامی اتفاق‌های آسمان را به صورت کامل برشمرده است که اینک بدان اشاره می‌کنیم:

﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ؛ وَ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ

^۱ . البقره، ۱۵۵ .

^۲ . قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳ ص ۲۳۵ .

^۳ . سجده، ۲۱ .

^۴ . همان، ج ۴، ص ۴۰۱ .

^۵ . متی: ۲۴ ، ۳۰ .

مُغْرَضِينَ؛ فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَّاتِهِمْ أَنْبُؤًا مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ؛ أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ؛ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ^۱، یعنی: اگر بخواهیم، معجزه‌ای از آسمان بر آنان فرود می‌آوریم، تا در برابر آن، گردنهایشان خاضع گردد. و هیچ تذکر جدیدی از سوی [خدای] رحمان برایشان نیامد جز اینکه همواره از آن روی برمی‌تافتند. [آنان] در حقیقت به تکذیب پرداختند، و به زودی خبر آنچه که بدان ریشخند می‌کردند، بدیشان خواهد رسید. مگر در زمین ننگریسته‌اند که چه قدر در آن ازهر گونه جفتهای زیبا رویانیده‌ایم؟

با بررسی علائم ظهور موعود اسلام به آیت‌های متفاوتی از آسمان برمی‌خوریم که ذیل آیه‌ی چهارم سوره‌ی شعرا در بیان معصومین (علیهم‌السلام) آمده است.

در ارجاع این آیه به آیت‌های آسمانی در آینده‌ی انسانها شکی نیست، اما گویا این آیه به موارد متفاوتی از رویدادهای آسمانی در فرجام بشر اشاره دارد که تقسیم‌بندی ذیل را به وجود می‌آورد:

۱-۱- فریاد و ندای آسمانی:

صیحه و فزعه، همان آیتی است که با عنوان فریاد و ندای آسمانی از آن یاد می‌کنیم؛ وقتی امام صادق(علیه السلام) به تبیین حوادث آینده می‌پردازد، به صیحه‌ی آسمانی اشاره می‌کند که راوی می‌پرسد: آیا مراد از صیحه‌ی در آیه‌ی چهارم سوره‌ی شعراء همین است، حضرت می‌فرماید: «نعم، إِنْ كَانَتْ خَضَعَتْ أَعْنَاقُ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۲، یعنی: آری، وقتی پدید آید، گردن دشمنان خدای عزّ وجلّ فرو افتاده و خاضع گردند.

آنچه مشخص است اثر تکوینی این صیحه‌ی آسمانی است که بسیاری را بیدار و آگاهان را آماده‌ی شرایط جدید آینده می‌کند. روایاتی که دلالت بر آیت آسمانی در آینده‌ی بشر دارند، بسیار نزدیک به هم هستند، اما شاید بتوان با دقتی موشکافانه صیحه و فریاد آسمانی را با ندای آسمانی تفکیک کرد.^۳

۱-۲- گرفتگی خورشید و ماه:

خسوف و کسوف از حوادث طبیعی است که در روزهای غیر طبیعی از نظر علم نجوم، قبل از ظهور موعود (علیه‌السلام) روی می‌دهد، به این حادثه در باورداشت اسلام و مسیحیت اشاره شده است.

«و فوراً بعد از مصیبت آن ایام، آفتاب تاریک گردد و ماه و نور خود را خواهد، و ستارگان از آغاز فرو ریزند، و قوت‌های افلاک متزلزل می‌گردد»^۴.

اوضاع غیر متعارف برای خورشید و ماه از شرایط خاص آینده‌ی بشریت است. عبارت انجیل که «آن‌گاه پسر انسان در آسمان پدید گردد»^۵ دلیلی است بر این‌که قرار است اتفاقاتی خاص در آسمان روی دهد که روایات آنها را روشن‌تر بیان کرده است. دو نشانه‌ای که پیش از زمان قیام قائم آل محمد(عجل الله فرجه) بدان اشاره شده، خورشید و ماه گرفتگی است، روایات زیادی در این زمینه در کتب شیعه موجود است که دو زمان را برای این پدیده‌ی طبیعی مطرح کرده‌است؛ اول: در ماه رمضان، و دوم: قبل از شورش سفیانی در ماه رجب!

^۱. الشعراء، ۴-۸.

^۲. قمی، التفسیر، ج ۲ ص ۱۱۸.

^۳. نک: پوراسماعیل، احسان، آینده‌ی بشریت از دیدگاه قرآن و عهد جدید، ص ۱۴۳.

^۴. متی: ۲۴، ۲۹.

^۵. متی: ۲۴، ۳۰ و لوقا: ۲۱، ۱۱.

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «آیتانِ تَكُونانِ قَبْلَ قِیامِ الْقائِمِ علیه السلام لَمْ تَكُونَا مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ إِلَى الْأَرْضِ تَنْكَسِفُ الشَّمْسُ فِي النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَالْقَمَرُ فِي آخِرِهِ فَقَالَ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ تَنْكَسِفُ الشَّمْسُ فِي آخِرِ الشَّهْرِ وَالْقَمَرُ فِي النُّصْفِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام إِنِّي أَعْلَمُ مَا تَقُولُ وَلَكِنَّهُمَا آيَتَانِ لَمْ تَكُونَا مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ علیه السلام.»^۱

یعنی: دو نشانه پیش از قیام قائم (علیه السلام) خواهد بود که از زمان هبوط آدم (علیه السلام) به زمین به وقوع نپیوسته، خورشید گرفتگی در نیمه‌ی ماه رمضان و ماه گرفتگی در انتهای این ماه. مردی پرسید: ای پسر رسول خدا! خورشید گرفتگی در آخر ماه و ماه گرفتگی در نیمه‌ی آن؟! حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: من می‌دانم چه می‌گویم، این دو روی داد از زمان هبوط آدم سابقه نداشته است.

به هر حال روایات فراوانی در تأیید این حوادث، که بر خلاف محاسبات منجمین است، در منابع وجود دارد.^۲ از طرفی آن چنان که قبلاً هم بیان شد نشانه‌های مشخصی در آسمان قبل از بازگشت عیسی (علیه السلام) ارائه شده است:

«لیکن وای بر آبستنان و شیردهندگان در آن ایام، زیرا تنگی سخت بر روی زمین و غضب بر این قوم حادث خواهد شد و به دم شمشیر خواهند افتاد و در میان جمیع امت‌ها به اسیری خواهند رفت و اورشلیم پایمال امت‌ها خواهد شد تا زمان‌ها امت‌ها به انجام رسد و در آسمان و ماه و ستارگان علامات خواهد بود، و بر زمین تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد نمود به سبب شوریدن دریا و امواجش دل‌های مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود زیرا قوت آسمان متزلزل خواهد شد. و آن‌گاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده با قوت و جلال عظیم می‌آید.»^۳

۲ – موعودهای دروغین:

بر اساس این دو دین ابراهیمی، مدعیان دروغین، خطری مهم برای دوران آخرالزمان معرفی شده‌اند، از این رو اسلام و مسیحیت پیروان خود را هشدار داده‌اند: «عیسی در جواب ایشان گفت: زنه‌ار کسی شما را گمراه نکنند! زان رو که سبا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد.»^۴

با مطالعه‌ی تاریخ اسلام و مسیحیت دعوت‌های دروغینی را از قرون وسطی ملاحظه می‌کنیم که این حرکت‌ها هنوز نیز ادامه دارد. در شرایط خاصی که بدان اشاره شد، وقتی حضرت مسیح (علیه السلام) از آینده سخن می‌گوید، برای باری دیگر مردم را در برابر مدعیان دروغین حضرت مسیح (علیه السلام) هشدار می‌دهد.

«آن‌گاه اگر کسی به شما گوید: اینک مسیح در این‌جا یا در آن‌جا است، باور مکنید زیرا که مسیحیان کاذب و انبیای کذب ظاهر شده، علامات و معجزات عظیم چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی، برگزیدگان را نیز گمراه کردند. اینک شما را پیش خبر دادم. پس اگر شما را گویند: اینک در صحراست بیرون مروید، یا آن‌که-بگویند:- در خلوت است، باور مکنید.»^۵

چنان‌چه برمی‌آید صبر مردم بعد از شرایط خاصی لبریز شده و با توجه به باورداشت موعودی که جهان را لبریز از عدالت خواهد کرد، هر لحظه منتظرند تا کسی آرمان عدالت را به وقوع بپیونداند؛ از این رو، گروهی از این اعتقاد

^۱ . شیخ کلینی، الکافی، ج ۸ ص ۲۱۲ .

^۲ . نک: شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲ ص ۶۵۵ .

^۳ . لوقا: ۲۱، ۲۳ - ۲۸ .

^۴ . متی: ۲۴، ۴ و ۵ .

^۵ . متی: ۲۴، ۲۳ - ۲۶ و لوقا: ۲۱، ۸ .

مخلوط به احساس مردم سوء استفاده کرده و خود را «موعود» می‌نامند.

اعتقاد به ظهور یک «منجی بزرگ جهانی» و اشتیاق به ظهور یک رهبر آسمانی در میان یهود و نصاری، آن‌چنان اصیل و ریشه‌دار است که در طول تاریخ این دو ملت، افراد زیادی پیدا شده‌اند که خود را به دروغ «**مسیح موعود**» معرفی کرده‌اند. «مسترهاکس» صاحب «قاموس کتاب مقدس» می‌نویسد:

۲۴ نفر مسیحیان دروغگو در میان بنی‌اسرائیل ظاهر گشتند که مشهورترین و معروفترین آنها «بر کوبه» است که در اوایل قرن ثانی می‌زیست. و آن دجال معروف ادعا می‌نمود که رأس و رئیس و پادشاه قوم یهود است؛ و در مائه‌ی (قرن) دوازدهم تخمیناً ده نفر از مسیحیان، یعنی: مسیح‌های دروغ‌گو - ظاهر گردیده، جمعی را به خود گروانیده، و این مطلب اسباب فتنه و جنگ شده، و جمعی کثیر نیز در آن معرکه، طعمه‌ی شمشیر گردیدند؛ و آخرین مسیحیان - مسیح‌های دروغ‌گو - «مردخای» است. او شخصی بود آلمانی که در سال ۱۶۸۲ میلادی ظهور کرده، اسباب اشتداد فتنه، و اشتغال نائره‌ی فساد گشت، و چون آتش فتنه بالا گرفت، فراری گردیده معدوم الاثر شد.^۱

نویسنده‌ی کتاب «دبیاچه‌ای بر رهبری» بعد از نقل این جریان از کتاب «قاموس کتاب مقدس» می‌نویسد: «متأسفانه اطلاع مؤلف آمریکایی - کتاب «قاموس کتاب مقدس» به زبان فارسی، که سالها نیز ساکن همدان بوده است - درباره‌ی شمار مدعیان «مسیحایی» و همچنین درباره‌ی آخرین کسی که به عنوان «مسیح موعود» قیام کرده است، نارساست. شماره‌ی این مدعیان، به مراتب بیشتر از آن است که وی یادآور شده است، هم‌چنین قیام «مردخای» آلمانی در دو قرن هفدهم، واپسین قیامی نیست که تاریخ مسیحیت آن را به یاد می‌آورد. تنها طی دو قرن هیجده و نوزده در انگلستان، بالغ بر شش تن، به نام «**مسیح موعود**» ظهور کرده‌اند، و اغتشاش‌هایی را هم دامن زده‌اند، و پاره‌ای از آنان نیز به کفر رسیده‌اند.»^۲

عقیده به ظهور یک نجات دهنده‌ی بزرگ که سازگار با فطرت بشری است سبب شد در سایه سار اسلام نیز برخی معارف اهل بیت (علیهم السلام) را نادیده گرفته و ادعای مهدویت کنند.

اینان که ابتدا به چهره‌ی اسلام در آمده و سپس به ابراز عقاید خود می‌پرداختند بسیاری ساده‌لوحان را علی‌رغم معرفی کامل امام زمان (علیه السلام) توسط قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) به سمت خود کشاندند. سید علی محمد باب و محمد احمد سودانی از آن دسته‌اند.

بروز این مدعیان دروغین از سویی می‌تواند اعتقاد به منجی را در وجود برخی انسانها مستحکم سازد، چه این- که نشان از حقیقتی دیگر دارند و از دیگر سو هشداربازی است برای دقت در این‌که هنوز این خطر می‌تواند دامن گیر جوامع گردد.

۳ - نشانه‌های حتمی:

در روایات شیعه، برخی نشانه‌های آخر الزمان با قید حتمی بودن تبیین شده است، مثلاً در جایی که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْمُخْتَوَمِ وَخُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ وَ مِنْ أَوَّلِ خُرُوجِهِ إِلَى آخِرِهِ خَمْسَةَ عَشَرَ شَهْرًا سِتَّةَ أَشْهُرٍ يُقَاتِلُ فِيهَا فَإِذَا مَلَكَ الْكُورَ الْخَمْسَ مَلَكَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ وَ لَمْ يَزِدْ عَلَيْهَا يَوْمًا»^۳ یعنی: سفیانی از نشانه‌های

^۱ . نک: سید اسدالله هاشمی، ظهور حضرت مهدی علیه السلام، ص ۴۲.

^۲ . همان.

^۳ . نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۲.

حتمی است و در ماه رجب شورش می‌کند، وقتی در منطقه‌های پنج گانه سیطره یافت، دقیقاً نه ماه که حتی یک روز هم بیشتر نمی‌شود، حکومت خواهد کرد.

با توجه به سایر روایات، پنج نشانه را می‌توان از علائم حتمی ظهور معرفی کرد؛ امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ مِنَ الْعَلَامَاتِ الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالْخُسْفُفُ بِالْبَيْدَاءِ وَخُرُوجُ الْيَمَانِيِّ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ»^۱ یعنی: پنج نشانه پیش از قیام قائم (علیه السلام) خواهد بود: صیحه‌ی آسمانی، و سفیانی، و فرو رفتن در بیابان، و قیام یمانی، و شهادت نفس زکیه.

در عبارتهای انجیل، همه‌ی آنچه به عنوان پیش بینی آینده برشمردیم، حتمی تلقی شده و این در کلام مسیح (علیه السلام) کاملاً مشهود است: «هر آینه به شما می‌گویم تا جمیع این امور واقع نشود، این فرقه نخواهد گذشت آسمان و زمین زائل می‌شود، لیکن سخنان من زائل نخواهد شد»^۲

صفت حتمی بودن برخی علائم، تنها منحصر در بروز پدیده‌های اجتماعی نیست، بلکه می‌توان در تطبیق قرآن و عهد جدید به موارد مختلفی متذکر شد. برخی از این نشانه‌ها، مشترک این دو دین ابراهیمی است که به ما یقین بیشتری می‌دهد؛ مثلاً آنچه درباره‌ی جنگها و زلزله‌ها در بخش سوم آمد؛ با این حال با توجه به اصل «بدا» نباید این نشانه‌ها به گونه‌ای در جامعه طرح شود که انسانها به جای انتظار موعود، در انتظار نشانه‌های ظهور او باشد چه این- که همه‌ی موارد آن چنان که در ادامه خواهد آمد از امور بداپذیر است.

۴- آرماگدون:

کلمه‌ی آرماگدون یا هَرُ مَجْدَلُون واژه‌ای یونانی است که بنا به تعریف واژه‌نامه‌های آمریکایی هم‌چون فرهنگ (وبستر) به معنی نبرد نهایی حق و باطل در آخر الزمان است. هم‌چنین این واژه، نام شهری در منطقه‌ی عمومی شام است که بنا بر آن چه در باب شانزدهم مکاشفات یوحنا، در عهد جدید آمده، جنگی عظیم در آنجا رخ می‌دهد و مرحله‌ی حاضر از زندگی بشر در آن زمان پایان می‌یابد. به عبارتی نبرد مذکور مقدمه‌ی تحولی بزرگ است که سرنوشت نهایی آدمی بر روی کره‌ی زمین به آن بستگی دارد.

یاقوت حموی می‌گوید: قرقسیا سرزمینی است در کرانه‌ی رود خابور، حدود شش فرسخی صحن مالک‌بن- طوق و رود خابور در آنجا به فرات می‌ریزد. قرقسیا در مثلث میان رودهای فرات و خابور قرار دارد. گفته شده که این محل به نام سلطان قرقسیابن طهمورث نامیده شده است.^۳

قرقیسیا در سرزمین جزیره (بین النهرین) در شمال سوریه میان دجله و فرات، اطراف بادیة‌الشام قرار دارد و حدود ۱۰۰ کیلومتر با مرزهای عراق فاصله دارد و نزدیکی شهر دیوازور است.^۴

بسیاری از محققان بر این باورند، آرماگدونی که این عده از آن سخن می‌گویند همان حادثه‌ی عظیمی است که پیش از ظهور مهدی (علیه السلام) رخ خواهد داد، همان حادثه‌ی بزرگی که ائمه‌ی شیعه، نام قرقسیا را بر آن اطلاق کرده‌اند.

در صحیح‌ه‌ی میسر از امام باقر (علیه السلام) نقل است که فرمود: «ای میسر! از این جا تا قرقسیا چه قدر راه

^۱ . شیخ طوسی، الغیبة، ص ۴۳۶ .

^۲ . لوقا: ۲۱، ۳۲ و ۳۳ .

^۳ . یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴ ص ۳۸۲ .

^۴ . محمد فقیه، سفیانی و نشانه‌های ظهور، ص ۱۳۹ .

است؟ عرض کردم: همین نزدیکی‌ها در ساحل فرات قرار دارد. پس فرمود: اما در این ناحیه واقعه‌ای اتفاق خواهد افتاد که از زمانی که خداوند متعال آسمانها و زمین را آفریده بی‌سابقه بوده، چنان‌که تا وقتی آسمانها و زمین برپا هستند هم، واقعه‌ای هم چون آن اتفاق نخواهد افتاد... سفره‌ای است که درندگان زمین و پرندگان آسمان از آن سیر می‌شوند، قیس در آن‌جا به هلاکت می‌رسد و هیچ خون‌خواهی نخواهد داشت»^۱.

به نظر می‌رسد حادثه‌ی قرقیسیا همان حادثه‌ی بزرگی است که پیش از ظهور حضرت حجت (علیه السلام) رخ می‌دهد و از آن‌جا که این حادثه به سفیانی ارتباط دارد و سفیانی از علایم حتمی ظهور امام است، وقوع این حادثه حتمی است، چه، امام مهدی (علیه السلام) پس از حادثه‌ی قرقیسیا با سفیانی برخورد خواهد کرد (و پس از شکستهای سفیانی فرو رفتن سپاه او مابین مکه و مدینه) رهسپاری قدس، محل بازگشت مسیح (علیه السلام) خواهد شد.

در موثقه‌ی مشهور جابر در ضمن صحبت از سفیانی آمده است: سپاهیان سفیانی از قرقیسیا می‌گذرند و در آن-جا به جنگ می‌پردازند، صد هزار نفر از ستم پیشگان سرکشان در آن‌جا کشته می‌شوند.^۲

ج) تکلیف منتظران

۱- دعا برای موعود:

دعای همیشگی، نشانه‌ی انتظار بدون وقفه در تعالیم مسیحیت معرفی می‌شود، دعا و انتظار برای موعود از دستورات مسیح (علیه السلام) است: «پس در هر وقت دعا کرده، بیدار باشید تا شایسته‌ی آن شوید تا از جمیع این چیزهایی که به وقوع خواهد پیوست نجات یابیم و در حضور پسر انسان بایستید».^۳

همین رویکرد به بحث منجی است که هنوز هم، مؤمنان مسیحی در نماز روز یکشنبه او را می‌خوانند و آرزو می‌کنند در دولت الهی، پایان عمر را سپری کنند: «هر گاه دعا کنید، گویند: ای پدر ما که در آسمانی! نام تو مقدس با ملکوت تو بیايد، اراده‌ی تو چنان‌که در آسمان است در زمین نیز کرده شود».^۴

برای پیروز شدن در آزمون انتظار در معارف شیعی، دعا یکی از راههای فرار از هجوم هلاکت است؛ دعا در این فرهنگ هدیه‌ای است از جانب خدا، که هرکسی توفیق آن‌را نمی‌یابد.^۵

امام عسکری (علیه السلام) به احمد بن اسحاق می‌فرماید: «وَاللّٰهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيْهَا مِنْ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهٗ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ فِيْهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ». یعنی: به خدا قسم غیبتی خواهد داشت که احدی از تباهی در آن نجات نمی‌یابد مگر آن کسی را که خدا عزوجل او را در اعتقاد به امامت آن حضرت ثابت قدم بدارد، و در زمان غیبت نسبت به دعا در تعجیل فرج ایشان توفیق عطا فرماید.

در جهان مسیحیت، موهبتی تحت عنوان ادعیه‌ی مأثور برای ظهور موعود وجود ندارد در حالی که معارف شیعه

^۱ . شیخ کلینی، الکافی، ج ۶ ص ۴۵۱.

^۲ . نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۷.

^۳ . لوقا: ۲۱، ۳۴.

^۴ . همان، ۱۱، ۲.

^۵ . اشاره به فقره‌ی دعای افتتاح: «اللّٰهُمَّ أَذْنْتُ لِي فِي دُعَائِكَ وَ مَسْأَلَتِكَ» شیخ طوسی، مصباح المنهج، ج ۲، ص ۵۷۸.

^۶ . شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲ ص ۳۸۴.

آکنده از ادعیه‌ای است که معصومین (علیهم السلام) برای این دوران به شیعیان خود آموخته‌اند.^۱

۲- دعوت به صبر:

سختی دوران هجران امام زمان (علیه السلام) در جهان اسلام و دشواری زمانه‌ی بدون حضور مسیح (علیه السلام) در باورداشت هر دو مکتب لحاظ شده که دعوت به صبر راه برون رفت آن است. در انجیل لوقا بعد از اخباری، از آینده‌ای که سلاطین در آن به مردم جفا کردند و آنها را در زندانها اسیر کرده و گروهی را به شهادت می‌رسانند، از مردم پایان دوران خواسته شده: «جانهای خود را به صبر دریابید».^۲ در تعالیم اسلامی نیز چه بسیار دعوت به صبر شده است که یکی از زیباترین تجلی‌های آن در سوره‌ی مبارکه‌ی عصر است.

شیخ صدوق از مفضل بن عمر نقل می‌کند که از امام صادق (علیه السلام) پیرامون سوره‌ی عصر پرسیدند، حضرت فرمود: «وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعَصْرُ خُرُوجُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ يَعْنِي أَعْدَاءَنَا إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَعْنِي بِمُؤَاَسَاةِ الْإِخْوَانِ وَتَوَاصُؤًا بِالْحَقِّ يَعْنِي بِالْإِمَامَةِ وَتَوَاصُؤًا بِالصَّبْرِ يَعْنِي فِي الْفِتْرَةِ».^۳

صبر، توصیه‌ی اکید همه‌ی پیام‌آوران خداوند در طول حیات آدمی است، اما در دورانی که فشارهای گوناگون روحی، اعتقادی و... به علت عدم حضور امام روی می‌دهد صبر می‌تواند رنگی دیگر به خود گرفته و منتظر موعود را در تحمل مصیبت‌ها شکبیا بدارد.

این صبر آن چنان مورد اهمیت است که به شتاب‌زدگان در این دوران وعده‌ی هلاکت داده شده است. امام جواد (علیه السلام) می‌فرماید: «يَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ يَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ»^۴ یعنی: در آن زمان شتاب‌کنندگان هلاک می‌شوند و اهل تسلیم نجات می‌یابند.

راه حفظ از شتاب‌زدگی و سرآمدن تحمل، توسل به درگاه الهی و طلب صبر از درگاه خداوند تعریف شده است، چراکه عدم صبر می‌تواند خود سبب امتحانی دشوار برای هر انسانی باشد.

عثمان بن سعید، اولین نایب خاص امام زمان (علیه السلام) در دوران غیبت صغری است، او در دعایی از خدای متعال این چنین می‌خواهد: «اللَّهُمَّ ... فَصَبِّرْنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَلَا أُكْشِفَ مَا سَتَرْتَ وَلَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَ وَلَا أَنَاذِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَلَا أَقُولُ لِمَ وَكَيْفَ وَ مَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ وَأَفْوَضُ أُمُورِي»^۵ یعنی: خدایا ... پس مرا در این امر شکبیا بدار تا این که تعجیل در آن چه به تأخیر انداخته‌ای و تأخیر در آن چه تعجیل کرده‌ای را دوست نداشته باشم و از آن چه که پنهان کرده‌ای پرده برندار، و از آن چه که کتمان نموده‌ای جستجو نکنم، و با تو در تدبیر کارهایت نزاع نداشته باشم، و نگویم چرا و چگونه است که ولی امر ظهور نمی‌کند در حالی که زمین پر از ظلم شده است؟ و همه‌ی کارهایم را به تو

^۱ . نظیر: دعا‌های ندبه، عهد، عصر غیبت، آل یاسین، ظهر روز جمعه، فرج و ... نک: شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان: که به صورت پراکنده آمده است، هم چنین تک نگاره‌ی عبدالحسین طالعی، ربیع الأنام فی الأدعیه خیر الأنام، سراسر کتاب.

^۲ . لوقا: ۲۱، ۱۹.

^۳ . شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۶.

^۴ . همان، ج ۲، ص ۳۷۸ و خزاز رازی، ص ۲۸۴.

^۵ . شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۲.

واگذار می‌کنم.

۳ - انجام تکلیف :

ادای وظیفه در راستای بندگی خدا، همواره از توصیه‌های سفیران الاهی بوده است. قرآن، همواره انسان را به انجام تکلیف خود نهیب می‌زند، گاهی به طور کلی با یک عبارت (اتَّقُوا اللَّهَ) و گاهی یکان یکان دستورات خود را برمی‌شمارد.

انجام فرائض، در دوران غیبت امام زمان (علیه‌السلام) از آن رو پر اهمیت است که مردم بدون ارتباط مستقیم بلکه به تعبیر روایات تفسیری هم‌چون خورشیدی پشت ابر از ساحت او نور می‌گیرد و از این رو اهل بیت (علیهم‌السلام) به تحسین منتظران ظهور امام زمان (علیه‌السلام) در دوران غیبت لب به سخن گشودند، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) قبل از تولد موعود (علیه‌السلام) می‌فرماید: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَيَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَيُعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَلِكَ مِنْ رُفَقَائِي وَذَوِي مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱ یعنی: خوشا به حال کسی که قائم از اهل بیت مرا درک نماید در حالی که در زمان غیبتش پیش از ظهورش به امامت او معتقد بوده و با دوستانش دوستی و با دشمنانش دشمنی کرده باشد. چنین کسی از رفقا و دوستان من و از گرامی‌ترین امت نزد من در روز قیامت خواهد بود.

در جایی دیگر می‌فرماید: «طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَى مَحَجَّتِهِمْ أُولَئِكَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَ قَالَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»^۲ یعنی: خوشا به حال شکیبان در غیبت او، خوشا به حال پابرجایان در محبت او که خدای تبارک و تعالی آن‌ها را در کتاب خود چنین وصف فرموده است: این قرآن هدایت است برای پرهیزکاران، آن‌ها که به غیبت ایمان می‌آورند.

در تعالیم مسیح (علیه‌السلام) نیز گویی همه‌ی مردم جهان با وصف غلامی امین به امور آقای خویش گماشته شده‌اند و چه بسیار اند انسانهایی که از عهده‌ی کار بر نیامده و تخلف می‌کنند که این غفلت با ظهور ناگهانی مسیح (علیه‌السلام) پایان می‌یابد. پس حضرت عیسی (علیه‌السلام) بر این باور است که یک منتظر باید هر لحظه در انتظار او، ایام عمر سپری کرده تا شرمنده‌ی آقای خویش نباشد.

غلام امین در این آیات انجیل را می‌توان نماینده‌ی همه‌ی مردم جهان دانست: «پس آن غلام امین و دانا کیست که آقايش او را بر اهل خانه‌ی خود بگمارد تا ایشان را در وقت معین خوراک دهد؟ خوشا به حال آن غلامی که چون آقايش آید، او را در چنین کاری مشغول کند. هرآینه به شما می‌گویم که او را بر تمام مایملک خود خواهد گماشت. لیکن هرگاه آن غلام شریر با خود گوید که آقای من در آمدن تأخیر می‌نماید و شروع کند به زدن هم قطاران خود و خوردن و نوشیدن با میگساران، هرآینه آقای آن غلام آید، در روزی که منتظر نباشد و در ساعتی که نداند و او را دو پاره کرده، نصیبتش را با ریاکاران قرار دهد در مکانی که گریه و فشار خواهد بود»^۳.

آری، این تأخیر در ظهور در تعالیم اسلام و مسیحیت پیش بینی شده که غفلت مردم مترتب بر آن است. حکایت قطارها که در ادامه‌ی این بحث آمده است نیز نشانی دیگر از افرادی است که سرسپرده‌ی امر آقای خود بود.

^۱. همو، ج ۱ ص ۲۸۶.

^۲. قندوزی، بنایع الموده، ج ۳، ص ۱۰۱ و خزاز قمی، کفایة الأثر، ص ۵۶.

^۳. متی: ۲۴، ۴۵ - ۵۱.

پس، انجام تکلیف در این دوران مورد اهمیت هر دو کتب بوده به ترتیبی که آدمی هم‌چون غلامی به سایه‌ی بندگی خدای خویش رفته و تعالیم فرستادگان او را انجام می‌دهد.

د) فرجام جهان

۱- وعده‌ی حتمی:

ظهور امام زمان (علیه‌السلام) در منابع اسلامی وعده‌ی ضمانت شده‌ی الهی تلقی می‌گردد؛ در زیارت آل‌یاسین با این وصف به امام منتظر (علیه‌السلام) سلام می‌دهیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ»^۱ تمام آن چه که در روایات اسلامی برشمرده‌ایم حاکی از همین وعده‌ی حتمی است. خداوند این وعده را مورد امضا قرار داده است که: «إِنَّ الْقَائِمَ مِنَ الْمِعَادِ وَاللَّهُ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»^۲

پس ظهور قطعی است اما زمان آن در علم مکنون الهی ثبت شده است و این همان علمی است که حتی پیامبران و امامان از آن باخبر نیستند.

در آموزه‌های مسیح (علیه‌السلام) نیز این امر روشن و با صراحت آمده است: «پس از درخت انجیل مَثَلش را فراگیر که چون شاخه‌اش نازک شده و برگها می‌آورد، می‌فهمید که تابستان نزدیک است. هم‌چنین شما - نیز - چون این همه را ببینید، بفهمید که نزدیک بلکه بر در است. هر آینه به شما می‌گویم تا این همه واقع نشود، این طایفه نخواهد گذشت، آسمان و زمین زائل خواهد شد لیکن سخنان من هرگز زائل نخواهد شد. اما از آن روز و ساعت هیچ‌کس اطلاع ندارد حتی ملائکه‌ی آسمانی، جز پدر من و بس»^۳.

آن چنان که اشاره شد نشانه‌های ظهور هیچ یک قطعی الوقوع نیستند و ممکن است ظهور بدون هر کدام از آنها پدیدار گردد. وقتی ابو هاشم جعفری از امام جواد (علیه‌السلام) پیرامون حتمی بودن خروج سفیانی و امکان بداء در آن می‌پرسد، حضرت می‌فرماید: آری، ممکن است در آن نیز بداء صورت گیرد. در این لحظه ابو هشام پا را فراتر گذاشته، می‌گوید: ما می‌ترسیم در اصل قیام قائم (علیه‌السلام) هم بداء شود، حضرت می‌فرماید: «قیام قائم (علیه‌السلام) از وعده‌هاست و خداوند خلف وعده نمی‌کند»^۴.

از این رو انگاشت حتمی بازگشت مسیح (علیه‌السلام) به اعتقاد عیسویان و ظهور امام زمان (علیه‌السلام) بنا بر باور شیعه خود عاملی جهت آمادگی و تربیت انسانهاست.

۲- امام زمان یا پسر انسان:

مستر هاکس در کتاب قاموس کتاب مقدس می‌گوید: کلمه‌ی پسر انسان هشتاد بار در عهد جدید به کار رفته که فقط سی مورد آن با حضرت عیسی (علیه‌السلام) قابل تطبیق است و پنجاه مورد دیگر از مصلح و نجات دهنده‌ای سخن می‌گوید که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد^۵.

این دیدگاه ما را به حقیقت موضوع مهدویت در باور اسلامی سوق می‌دهد، اینک در اینجا به برخی از عبارات

^۱ . شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت آل‌یاسین، ص ۵۷۴.

^۲ . نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۳.

^۳ . متی: ۲۴، ۳۲ - ۳۶ و مرقس: ۱۳، ۲۸ - ۳۱.

^۴ . نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۳.

^۵ . مستر هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۲۱۹.

که پیرامون پسر انسان در انجیل آمده است، اشاره می‌کنیم تا مدعای ما اثبات گردد .
 به نقل از حضرت عیسی (علیه‌السلام) در ادامه‌ی سخن پیشین پیرامون آینده آمده است: «زیرا هم‌چنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود».^۱
 بعد از برشمردن نشانه‌هایی از این دوران، به حالت اضطراب مردم اشاره می‌کند که بعد از این تألم است که پسر انسان می‌آید: «و در آن وقت، جمیع طوائف زمین سینه زنی^۲ کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان، با قوت و جلال عظیم می‌آیند».^۳

«و به او قدرت بخشیده است که داوری هم بکند زیرا که پسر انسان است و از این تعجب نکنید، زیرا ساعتی می‌آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می‌باشند آواز او را خواهند شنید، و بیرون خواهد آمد هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات، هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری».^۴

با توجه به اعتقاد برخی مسیحیان در تفسیر این آیات، شخصیتی که از آسمان می‌آید همان عیسی است! اگرچه می‌توان مصداق آن را هم‌چون دیدگاه مسترهاکس حضرت عیسی (علیه‌السلام) ندانست اما این تعبیر با عبارت‌های بعدی مسیح (علیه‌السلام) بیشتر در ارتباط بوده از این رو نظر به موعود دیگر قابل پذیرش است چون مسیح (علیه‌السلام) می‌توانست این وصف‌ها را در مورد خود و با اشاره‌ای مستقیم به خویشتن، بیان فرماید.
 از نظر ما با توجه به متواترات حدیث شیعه و حتی سایر فرق اسلامی این شخص کسی جز امام زمان (علیه‌السلام) نیست و حضرت عیسی (علیه‌السلام) به عنوان کارگزار او را در اجرای عدالت یاری خواهد کرد.^۵

۳- بازگشت مسیح (علیه‌السلام):

در میان انجیل‌ها بیان اعمال رسولان، بیشترین نزدیکی را با اعتقاد اسلام نسبت به مسیح (علیه‌السلام) دارد. اسلام معتقد است مسیح (علیه‌السلام) از دنیا نرفته بلکه در نزد خداوند رفع داده شده است.^۶ از سویی اعمال رسولان نیز بدن عیسی (علیه‌السلام) را بعد از ناپدید شدن به گونه‌ای توصیف می‌کند که نزدیک به اعتقاد اسلامی است: «درباره‌ی قیامت مسیح پیش دیده گفت که نفس او در عالم اموات گذاشته نشود و جسد او فساد را نبیند، پس همان عیسی را خدا برخیزاند و همه‌ی ما شاهد بر آن هستیم».^۷

هدف بعثت عیسی (علیه‌السلام) در انجیل‌ها هشدار به نزدیک بودن ملکوت خدا معرفی شده است: «به ایشان گفت: مراد لازم است که به شهرهای دیگر نیز به ملکوت خدا بشارت دهم، زیرا که بر همین کار فرستاده شده‌ام».^۸
 «و بعد از گرفتاری یحیی، عیسی به جلیل آمده به بشارت ملکوت خدا موعظه کرده، می‌گفت وقت تمام شد و

^۱ . متی: ۲۴، ۲۷ .

^۲ . شیون و زاری .

^۳ . متی: ۲۴، ۳۰ .

^۴ . یوهن نام: ۵، ۲۶ و ۲۷ .

^۵ نک: همای، عباس و پوراسماعیل، احسان، مقاله‌ی «تطبیق و مقایسه دجال در اسلام با آنتی کرایست در مسیحیت، پژوهش دینی

، شماره ۱۶، ص ۲۰

^۶ . ﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ارْأَيْكَ وَارَأَيْكَ إِلَىٰ مَطْعَمِكُم مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَأَخْكُمْ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ (آل عمران، ۵۵).

^۷ . اعمال رسولان: ۲، ۳۱ .

^۸ . لوقا: ۴، ۴۳ .

ملکوت خدا نزدیک است، پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید»^۱.

موعظه به ملکوت خدا دستور صریح مسیح (علیه السلام) به پیروانش بود.^۲ اصطلاح ملکوت در انجیل مرقس ۱۴ و ۱۶ مرتبه و در انجیل لوقا ۳۹، و در انجیل متی ۳۲ بار به کار رفته است. با بررسی متن های کتاب مقدس درمی یابیم که مراد از ملکوت، فرمانروایی و حکومت خداست.

«پس اندیشه مکنید و مگویید چه بخوریم، چه بنوشیم یا چه بپوشیم زیرا که در طلب جمیع این چیزها اَمّت ها می باشند. اما پدر آسمانی شما می داند که بدین همه چیز احتیاج دارید لیکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد»^۳.

در آموزه های مسیحیت نشان پایان جهان، بازگشت عیسی (علیه السلام) تعریف شده و مسیح پیروان خویش را از مدعیان دروغین برحذر داشته است.^۴

پیروان مسیح در ابتدا منتظر بودند عمر عیسی (علیه السلام) یعنی ملکوت خداوند در زمین برپا گردد به طوری که گمان می کردند ملکوت خدا باید همان زمان ظهور کند،^۵ با فقدان عیسی فهمیدند که باید منتظر بازگشت او و برپایی ملکوت خدا باشند.

در انگاره ی شیعه، به یقین حضور عیسی (علیه السلام) بر زمین و بازگشت او از آسمان سبب جذب بسیاری از مسیحیان به سوی امام زمان (علیه السلام) خواهد شد و این زمانی اتفاق می افتد که مسیحیان جهان شاهد برپایی نماز عیسی (علیه السلام) به امامت حضرت ولی عصر (علیه السلام) خواهند بود.

﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾^۶ یعنی: و هیچ یک از اهل کتاب نیست، جز این که پیش از مرگ به او ایمان می آورد.

قندوزی حنفی در تفسیر آیه ی مزبور از محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) روایت می کند: حضرت عیسی (علیه السلام) پیش از روز رستاخیز به دنیا فرودمی آید، پس پیروان هیچ ملتی، نه یهودی و نه غیر یهودی باقی نمی ماند مگر این که پیش از مرگشان به او ایمان می آورند، و حضرت عیسی (علیه السلام) در پشت سر حضرت مهدی (علیه السلام) نماز می خواند.^۷

جدای از نماز خواندن عیسی (علیه السلام) به امامت حضرت حجّت (علیه السلام)،^۸ کشتن بزرگترین دشمن موعود آخر الزمان (علیه السلام) - دجال - بنا بر برخی روایات به دست مبارک مسیح (علیه السلام) صورت می گیرد. امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «...حَتَّى يَنْزِلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ السَّمَاءِ وَيَقْتُلُ اللَّهُ الدَّجَالَ عَلَى يَدَيْهِ [يَدِهِ] وَيُصَلِّيَ بِهِمْ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ أَلَا تَرَى أَنَّ عِيسَى يُصَلِّيَ خَلْفَنَا وَهُوَ نَبِيُّ إِلَّا وَنَحْنُ أَفْضَلُ مِنْهُ»^۹. هم چنین امام

^۱ . مرقس: ۱، ۱۴ و ۱۵ و هم چنین مشابه این آیه: متی: ۴، ۱۲ - ۱۷، لوقا، ۱۴، ۴ و ۱۵، یوحنا: ۴، ۴۳ - ۴۵.

^۲ . لوقا ۹، ۵۹ و ۶۰، متی: ۱۰، ۵ - ۷، لوقا ۱۰، ۱۰ - ۱۱، ولوقا: ۹، ۱ و ۲.

^۳ . متی: ۶، ۳۱ - ۳۳، هم چنین لوقا: ۱۱، ۲ و متی: ۶، ۱۰.

^۴ . لوقا: ۱۹، ۱۱.

^۵ . همان: ۱۹، ۱۱.

^۶ . النساء، ۱۵۹.

^۷ . قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۳ ص ۲۳۷.

^۸ . شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۱۶، و شیخ صدوق، امالی، ص ۱۸۱، و شیخ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱ ص ۴۷.

^۹ . فرات کوفی، التفسیر، ص ۴۴.

صادق (علیه السلام) می فرماید: «عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ رُوحَ اللَّهِ وَ كَلِمَتِهِ - وَ كَانَ عُمُرُهُ فِي الدُّنْيَا ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً - ثُمَّ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ يَهْبِطُ إِلَى الْأَرْضِ بِدَمِشَقَ وَ هُوَ الَّذِي يَقْتُلُ الدَّجَالَ»^۱.

پس، در ظهور موعود آخر الزمان یکی دیگر از آیات الهی به وقوع می پیوندد و آن بازگشت و عمل کرد مسیح (علیه السلام) است، که طی آن بسیاری به او گرایش پیدا می کنند.

۴- دَجَال یا آنتی کرایست :

واژه‌ی دَجَال^۲ تنها در رسائل یوحنا وارد شده و عبارت از کسی است که مسیح بودن حضرت عیسی (علیه السلام) را انکار می کند.

یوحنا ی قدیس در رسائلش فرض را بر این قرار داده که مسیحیان اولیه با آموزه‌ی مربوط به آمدن دَجَال آشنا هستند: «شنیده‌اید که دَجَال می‌آید»؛^۳ «و این است روح دَجَال که شنیده‌اید که او می‌آید».^۴ اگرچه یوحنا از چندین دَجَال سخن می‌گوید، ولی بین دَجَالان بسیار و یک دَجَال اصلی فرق می‌گذارد: «دَجَال می‌آید. الحال هم دَجَالان بسیار ظاهر شده‌اند و از این می‌دانیم که ساعت آخر است»^۵ وی هم‌چنین سیرت و رفتار دَجَال را شرح می‌دهد: «از ما بیرون شدند لکن از ما نبودند»^۶ «دروغ‌گو کیست جز آن که مسیح بودن عیسی را انکار کند؟ آن دَجَال است که پدر و پسر را انکار می‌نماید»^۷ «و هر روحی که عیسی مسیح مجسم شده را انکار کند از خدا نیست و این است روح دَجَال که شبه و آیه‌ی او می‌آید»^۸ «زیرا گمراه کنندگان بسیار به دنیا بیرون شدند که عیسی مسیح ظاهر شده در جسم را اقرار نمی‌کنند: آن است گمراه کننده و دجال»^۹. هم‌چنین یوحنا زمان آمدن دَجَال را «ساعت آخر» تعیین می‌کند^{۱۰} علاوه بر این، وی معتقد است که او «الآن هم در جهان است»^{۱۱}.

بسیاری از مفسران ظهور مسیح‌های دروغین و پیامبران دروغین،^{۱۲} «مکروه ویرانی»^{۱۳} و کسی که «به اسم خود می‌آید»^{۱۴} اشاره‌های کم و بیش آشکاری را نسبت به دَجَال یافته‌اند.

آن چه مسلم است اسلام نیز روی کردی خاص به بحث دَجَال دارد که به عنوان پدیده‌ای اجتماعی مورد

^۱. قمی، التفسیر، ج ۲ ص ۲۶۸ - ۲۷۲.

^۲. antichrist

^۳. رساله‌ی اول یوحنا: ۲ : ۱۸.

^۴. همان، ۳ : ۴.

^۵. همان، ۲ : ۱۸.

^۶. همان، ۲ : ۱۹.

^۷. رساله‌ی اول یوحنا، ۲ : ۲۲.

^۸. همان، ۳ : ۴.

^۹. رساله‌ی دوم یوحنا، ۷.

^{۱۰}. رساله‌ی اول یوحنا، ۱۸ : ۲.

^{۱۱}. همان، ۳ : ۴.

^{۱۲}. متی: ۲۴، ۲۴ : مرقس: ۱۳، ۶، ۲۲ : لوقا: ۲۱، ۸.

^{۱۳}. متی: ۲۴، ۱۵.

^{۱۴}. یوحنا: ۵، ۴۳.

سرکوبی امام زمان (علیه السلام) و حضرت مسیح (علیه السلام) قرار می گیرد.^۱

۵- زمان ظهور:

بازگشت عیسی (علیه السلام) به تعبیر مسیحیان و ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) به تعبیر مسلمانان، زمانی مخفی دارد؛ روایات اسلامی و آموزه های مسیح از سویی ظهور را حتمی دانسته و از دیگر سو از وقت گذاری برای آن ممانعت می کنند، توقف در تعیین زمان در روایات شیعه لحنی تندتر به خود گرفته به طوری که گاهی اهل بیت (علیهم السلام) با سه بار تکرار عبارت «کذب الوقّاتون»^۲ انسانها را از این روی کرد به ظهور شماتت کرده اند.

در انجیل می خوانیم: «اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتّی ملائکه ی آسمان به جز پدر و من»^۳ با این حال تعالیم اسلام و مسیحیت بر یک باره بودن این امر دلالت دارند که آن چنان که اشاره شد، این ناگهانی بودن، اثر تربیتی فراوانی بر وجود انسان خواهد داشت، به طوری که منتظران حقیقی، هر لحظه احتمال این حضور را داده و خود را برای آن زمان آماده می سازند. این مهم در تعالیم اسلامی به صراحت گفته شده و از منتظران خواسته شده که فقط به روزهای خاص اکتفا نکرده بلکه صبح و شام در انتظار امام خویش باشند.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً»^۴. مسیح (علیه السلام) نیز غافلگیرانه بودن

امر ظهور و قیام ملکوت خود و طی آن آشکار شدن پسر انسان را در جای جای اخبار از آینده تأکید می کند: «لیکن چنان که ایام نوح بود، ظهور پسر انسان چنان خواهد بود، زیرا هم چنان که در ایام قبل از طوفان می خورند و می آشامیدند و نکاح می کردند و منکوحه می شدند تا روزی که او دخل کشتی گشت و نفهمیدند تا طوفان آمده (است که) همه را ببرد، هم چنین ظهور پسر انسان نیز خواهد بود»^۵.

«آن گاه دو نفری که در مزرعه می باشند یکی گرفته و دیگری واگذارده شود و دو زن که دستاس می کنند یکی گرفته و دیگر رها شود پس بیدار باشید زیرا که نمی دانید در کدام ساعت، خداوند شما می آید، لیکن این را بدانید اگر صاحب خانه می دانست در چه پاسی از شب دزد می آید، بیدار می ماند و نمی گذاشت که به خانه اش نقب زند. لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید»^۶.

«مثل کسی که عازم سفر شده خانه ی خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده هر یکی را به شغل خاص مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. پس بیدار باشید؟ زیرا نمی دانید که در چه وقت صاحب خانه می آید. در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبدا ناگهان آمده شما را خفته یابد. اما آن چه به شما می گویم به همه می گویم: بیدار باشید!»^۷

«کمرهای خود را بسته، چراغ های خود را فروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کنند. تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به

^۱ نک: همای، عباس و پوراسماعیل، احسان، مقاله ی «تطبیق و مقایسه دجال در اسلام با آنتی کرایست در مسیحیت، پژوهش دینی،

شماره ۱۶، ص ۲۰.

^۲ شیخ کلینی، الکافی، ج ۱ ص ۳۶۸.

^۳ متی: ۲۴، ۳۶.

^۴ نعمانی، الغیبه، ص ۱۵۸.

^۵ متی: ۲۴، ۱۷-۱۸ و مرقس: ۱۳، ۱۵ و ۱۶.

^۶ متی: ۲۴، ۲۷-۲۳ و لوقا: ۱۸: ۲۶-۳۷.

^۷ مرقس: ۱۳، ۳۴-۳۷.

حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد ... پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان نیز می‌آید»^۱.

ظهور مسیح، آن‌چنان ناگهانی و غیر منتظره بوده که هم چون برق در لوقا توصیف شده است، وقتی فریسیان از عیسی (علیه‌السلام) درباره‌ی ملکوت خدا پرسیدند، حضرت عیسی (علیه‌السلام) فرمود: «ملکوت خدا با مراقبت نمی‌آید و نخواهند گفت در فلان یا فلان جاست ... زیرا چون برق که از یک جانب زیر آسمان لامع شده تا جانب دیگر زیر آسمان درخشان می‌شود پسر انسان در یوم خود هم چنین خواهد بود»^۲.

حضرت مسیح (علیه‌السلام) از غیبت پسر انسان و ظهور او که با تأخیر صورت می‌گیرد، سخن به میان آورده و به این نکته اشاره دارد که کافران در بلندای غیبت، زیان کار خواهند بود؛ این همان ره‌یافتی است که تعالیم اسلامی به عنوان امتحان عصر غیبت برشمرده‌اند.

هم‌چنین در تعالیم مسیح آمده است که: «در آن زمان ملکوت آسمان مثل ده باکره خواهد بود که مشعلهای خود را برداشته، به استقبال داماد بیرون رفتند و از ایشان پنج دانا و پنج نادان بود، اما نادانان مشعلهای خود را برداشته و هیچ روغن با خود نبردند، لیکن دانایان روغن در ظرف خود با مشعلهای خویش برداشته و چون آمدن داماد به طول انجامید، همگی پینکی^۳ زده و خفتند و در نصف شب صدایی بلند شد که: این که داماد می‌آید، به استقبال وی بی‌شتابید!

پس تمامی آن باکره‌ها برخاسته مشعلهای خود را اصلاح نموده و نادانان دانایان را گفتند از روغن خود به ما دهید زیرا مشعلهای ما خاموش می‌شود، اما دانایان در جواب گفتند: نمی‌شود، مبادا ما و شما را کفاف ندهد بلکه نزد فروشندگان رفته برای خود بخرید و در حینی که ایشان به جهت خرید می‌رفتند، داماد برسد و آنانی که حاضر بودند به عروسی داخل شده در بسته گردید.

بعد از آن، باکره‌های دیگر نیز آمده، گفتند: خداوندا، برای ما باز کن. او در جواب گفت: هرآینه به شما می‌گویم و شما را نمی‌شناسم پس بیدار باشید، زیرا که آن روز و ساعت را نمی‌دانید»^۴.

رد پایِ نگوشت تعیین زمان برای ظهور، در این دو مکتب آسمانی به چشم می‌خورد، به همین سبب در باور اسلامی این افراد با صفت کذاب وصف شده‌اند، با این حال بسیاری از مردم در جست و جوی این تاریخ هستند در این میان فریسیان، مردان دین یهود که با حيله بنی اسرائیل را رهبری می‌کردند، از دیرباز به موضوع ملکوت خداوند توجه‌ای ویژه داشتند.

لوقای قدیس این انگیزه را این‌گونه مطرح می‌سازد: «و چون فریسیان از او پرسیدند که: ملکوت خدا کی می‌آید؟ او در جواب ایشان گفت: ملکوت خدا با مراقبت نمی‌آید و نخواهند گفت که در فلان یا فلان جاست. زیرا اینک ملکوت خدا در میان شماست»^۵.

طبق تعالیم حضرت مسیح (علیه‌السلام) یک مؤمن باید همواره حضور پسر انسان را در زندگی خود احساس کند حتی اگر او به تعبیر اسلام در پس ابر غیبت باشد.

^۱. لوقا: ۱۲، ۳۵ - ۴۰.

^۲. لوقا: ۱۷، ۲۰ - ۲۵.

^۳. چرت زدن.

^۴. لوقا: ۲۱، ۳۴ و ۳۵ - متی: ۲۴، ۳۶ - ۵۱، و مرقس: ۱۳، ۳۲ - ۳۷.

^۵. متی: ۲۵، ۱ - ۱۳.

«پس خود را حفظ کنیم، مبدا دل‌های شما از پر خوری و مستی و اندیشه‌های دنیوی سنگین گردد و آن روز ناگهان بر شما آید. زیرا که مثل دامی بر جمیع سکنه‌ی تمام روی زمین خواهد آمد».^۱

براساس آنچه گفته شد، وقت دقیق برپایی حکومت الاهی بر هیچ کس معلوم نیست بلکه از رازهای خداوند است. با بررسی روایات مختلف در می‌یابیم کنجکاو‌ی نسبت به تعیین این زمان همواره قرین انسانها بوده است. مثلاً: از پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پرسش شد که ای رسول خدا! قیام کننده فرزندان شما چه زمانی قیام می‌کند؟ حضرت فرمودند: «مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ لَا يُجْلِيهَا لَوْ قَتَلَهَا إِلَّا هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ تَقَلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»^۲ یعنی: قیام او بسان برپایی قیامت خواهد بود، زمان آن آشکار نمی‌گردد مگر آن که بر آسمانها و زمین سنگین باشد، و جز به یکباره و ناگهانی به شما نمی‌رسد.

منجی مورد قبول شیعیان، امام زمان (علیه‌السلام) در نامه‌ای به شیخ مفید در حدود هزار سال پیش این گونه نگاشتند: «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ يَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا فَإِنْ أَمَرْنَا بَغْتَةً فُجَاءَةً...»^۳ یعنی: پس باید هر یک از شما کاری کند که او را به دوستی‌ها نزدیک می‌کند و از هر چیزی که موجب کراهت و خشم ما می‌شود اجتناب ورزد، زیرا امر ناگهانی و به یکباره فرا می‌رسد.

نتیجه، این که امر ظهور ناگهانی بوده ولی این امکان وقوع در هر لحظه نباید سبب بروز تعیین وقت گردد، که چنین فعلی دروغ محض است.

امام صادق (علیه‌السلام) در این زمینه می‌فرماید: «كَذَبَ الْوَقَاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ»^۴ یعنی: تعیین کنندگان وقت دروغ می‌گویند و شتاب کنندگان هلاک می‌شوند و اهل تسلیم نجات می‌یابد.

ه) جهان بعد از ظهور

۱- روز عدالت:

محور اصلی حکومت آینده‌ی دنیا، عدالت است و این همان نیازی است که هنوز بشریت تشنه‌ی آن است، چه بسیاراند منادیان و مدعیان عدالت که براساس فطرت عدالت خواه انسان، شعار عدالت سر می‌دهند و چند صباحی به حکومت و تسلط بر مردم می‌پردازند، اما دیری نمی‌پیماید که بر همگان واضح می‌شود که هم چنان عدالت شعاری است که محقق نگردیده است!

در مآثورات فراوانی آمده است که در شرایطی ظهور محقق می‌شود که دنیا را ظلم و جور فرا گرفته و همه‌ی مردم درخواستی مشترک، حکومت توحیدی را، از جانب خدای خویش مسألت دارد، پس او می‌آید تا: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»^۵ و این همان هدفی است که در اجرای ملکوت خدا توسط پسر انسان به صورتی نمادین در انجیل آمده است: «اما چون پسر انسان در جوار خود با جمیع ملائکه‌ی مقدس خویش آید، آن‌گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امت‌ها در حضور او جمع شوند و آن‌ها را از هم دیگر جدا

^۱ . لوقا: ۱۷، ۲۰ - ۲۲.

^۲ . شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۲.

^۳ . طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۵.

^۴ . نعمانی، الغیبه، ص ۲۹۴ و شیخ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

^۵ . شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۲.

کند، به قسمی که شبان، میشها را از بزها جدا می‌کند و میشها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار دهد. آن‌گاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیایید این برکت یافتگان از پدر من و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آمده شده است، به میراث گیرید...^۱.

بنا بر باور شیعی، امام زمان (علیه‌السلام) منتقم همه‌ی ظلمها در گذر تاریخ است به خصوص ستمهایی که مردم در حق پیامبران و اوصیای آنان انجام داده‌اند: «... فَيَخْرُجُ وَيَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَيْثُ تَقَفُّهُمْ وَيَقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَيَحْكُمُ بِحُكْمِ اللَّهِ...»^۲ یعنی: پس قیام می‌کند و دشمنان خدا را - هر جا که باشند - نابود می‌گرداند و مرزهای الهی را پاس داشته و به حکم خدا حکم می‌راند....

امام باقر (علیه‌السلام) در این خصوص می‌فرماید: «... هنگامی قائم علیه‌السلام ما به پا خیزد - همه‌ی اموال را - به گونه‌ای مساوی تقسیم می‌کند و با خلق خدا عدالت می‌ورزد، چه نیکوکار آنان و چه بدکردارشان! ... تمامی اموال دنیا، به سوی جمع می‌گردد پس به مردم می‌گوید: پس بیایید به طرف چیزی که به خاطر آن خویشاوندی را بریدید و خونها ریختید و حرامهای الهی مرتکب شدید پس آن قدر می‌بخشد که هیچ کس قبل از او - این چنین - نبخشیده است»^۳.

۲ - یاوران موعود:

بی‌تردید مصلح دنیا، هرگز به تنهایی قدرت غلبه بر مخالفتها و دشمنی‌ها را ندارد، اگرچه با قدرت الهی هر ناشدنی به سادگی محقق می‌شود، اما سنت خداوندی نبرد رو در روی اندیشه‌ی مهدویت با مخالفان است. به یقین پیروزی باور موعود در سایه سار قدرت خداوندی محقق خواهد شد اما اگر این قدرت الهی صرفاً در جای جای این حرکت منقش باشد، آزمونی برای مردم وجود نخواهد داشت، پس موعود با یاوران خویش بعد از بسط تفکر ناب توحیدی، در صورت مخالفت، به نبرد خواهد پرداخت که این مهم نیز در اخبار از آینده در منقولات اسلام و مسیحیت آمده است.

در متی بعد از خبر آمدن پسر انسان آمده است: «و فرشتگان خود را با صور بلند آواز فرستاده برگزیدگان او از بادهای اربعه از کران تا به کران فلک فراهم خواهند آورد»^۴. در اسلام، جدای از این که تعداد آنها در روایات مختلف تفسیری، ۳۱۳ نفر تعیین شده، به وصف صفات اخلاقی هریک و حتی این که از کدام سرزمین هستند، اشاره شده است.

امام جواد (علیه‌السلام) می‌فرماید: «هنگامی که این تعداد از کسانی که اهل یکدلی و اخلاص‌اند برای او فراهم آمدند، کار او آشکار می‌گردد و آن‌گاه که تعداد افرادش تکمیل گردد به اجازه الهی قیام می‌کند و پیاپی دشمنان خدا را می‌کشد تا آن که خدای متعال خشنود می‌شود»^۵.

۳ - گستره‌ی حکومت عدالت:

روایات اسلامی با صراحت بر حکومت جهانی امام زمان (علیه‌السلام) اشاره دارد بلکه اصلاً هدف این حکومت

^۱ . متی: ۲۵، ۳۱-۳۵.

^۲ . شیخ صدوق، عبون اخبار الرضا (علیه‌السلام)، ج ۱ ص ۶۳.

^۳ . همو، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۱.

^۴ . متی: ۲۴، ۳۱.

^۵ . شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۴.

را عدلی فراگیر برای تمام جهانیان برشمرده است.

امام باقر(علیه السلام) درباره‌ی دولت سراسری امام عصر(علیه السلام) می‌فرماید: «سلطنت او شرق و غرب جهان را فرا می‌گیرد و خدای متعال به دست او دین خود را آشکار می‌سازد، اگرچه مشرکان کراهت داشته باشند»^۱.

از این رو نمی‌توان حدود جغرافیایی خاصی را برای حکومت آخر تعیین کرد و این همان مطلبی است که در تعالیم حضرت مسیح(علیه السلام) بعد از عبور فتنه‌ها به آن اشاره شده است: «و لازم است که بشارت اول بر تمامی امت‌ها موعظه شود»^۲ نتیجه این اقدام تشکیل حکومت الهی است که در آن: «...جمع انبیاء... از مشرق و مغرب و شمال و جنوب آمده، در ملکوت خدا خواهند نشست»^۳.

در معارف شیعی نیز گستره‌ی حکومت به همین منوال تعریف شده است. امام باقر(علیه السلام) می‌فرماید: «الْقَائِمُ مِمَّا مَنُصُورٌ بِالرَّغْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ...»^۴ یعنی: حضرت قائم (علیه السلام) یاری شده با رعب و ترس تأیید شده با پیروزی است، زمین زیر پای او پیچیده می‌شود، و گنجها برای او آشکار می‌گردد، و حکومتش شرق و غرب را فرا می‌گیرد، و خدای متعال به او دینش را هویدا می‌گرداند اگرچه مشرکان را خوش نیاید، پس در زمینه ویرانه و خرابه‌ای نمی‌ماند مگر آن‌که آباد می‌شود.

۴ – صاحبان آخرین حکومت :

دو آیه از قرآن به صورت مستقیم اشاره به آخرین حکومت در زمین دارد:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۵ یعنی: و می‌خواهیم به کسانی که بر روی زمین ضعیف انگاشته شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوا و وارثان (زمین) کنیم.

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۶ یعنی: و در حقیقت پس از تورات، در زبور زبور نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ی من به ارث خواهند برد.

پر واضح است که ضعیفان و محرومان از جرگه‌ی مؤمنین، بنا به صریح آیات قرآن، صاحبان اصلی آخرین حکومت‌اند. حضرت مسیح (علیه السلام) دستیابی به ملکوت و اجرای فرمان الهی را زمانی می‌داند که مستضعفان بدان دست یابند:

«...خوشا به حال شما، ای مساکین! زیرا ملکوت خدا از آن شماست. خوشا به حال شما که اکنون گرسنه‌اید! زیرا که سیر خواهید شد. خوشا به حال شما که الحال گریانید! زیرا خواهید خندید»^۷.

هم‌چنین در سخن مسیح (علیه السلام) اشاره شده که بسیاری از مردم از این گروه منتظران پسر انسان، دوری می‌کنند، که صبر در این بی‌احترامی با ثوابی نیک همراه خواهد بود.

^۱ . علامه‌ی مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۹۲.

^۲ . مرقس: ۱۳، ۱۰.

^۳ . لوقا: ۱۳، ۲۸ و ۲۹.

^۴ . شیخ طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۶۳.

^۵ . القصص، ۵.

^۶ . الانبیاء، ۱۰۵.

^۷ . لوقا: ۶، ۲۰ و ۲۱.

«خوشا به حال شما وقتی که مردم به خاطر پسر انسان از شما نفرت گیرند و شما را از خود جدا سازند و دشنام دهند و نام شما مثل شریر بیرون کنند. در آن روز شاد باشید و وجد نمایید زیرا اینک اجر شما در آسمان عظیم می‌باشد، زیرا که به همین طور پدران ایشان با انبیا سلوک نموده‌اند»^۱.

در انجیل متی در همین زمینه آمده است: «خوشا به حال مسکینان در روح! زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است. خوشا به حال ماتمیان! زیرا ایشان تسلی خواهند یافت. خوشا به حال گرسنگان و تشنگان عدالت! زیرا ایشان سیر خواهند شد. خوشا به حال رحم کنندگان! زیرا بر ایشان رحم کرده خواهد شد. خوشا به حال پاکدلان! زیرا ایشان خدا را خواهند دید. خوشا به حال صلح کنندگان! زیرا ایشان پسران خدا خواهند شد. خوشا به حال زحمت کشان برای عدالت! زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است»^۲.

۵- مرگ شیطان:

وصف جهان بعد از ظهور در مآثورات اسلامی بسیار روشن است. آن چنان که ملاحظه شد در انجیل‌ها و به خصوص مکاشفات یوحنا برخی از اوصاف آن روزگار گفته شده بود.

نکته‌ی مهم در تطبیق این دو کتاب آسمانی، موضوع در هم کوبیدن شیطان به عنوان مانع همیشگی رشد انسان‌هاست که آموزه‌های مسیح به صراحت از آن یاد کرده بود.

مآثورات اسلامی نیز هنگامه‌ی ظهور را مصادف با کشته شدن شیطان معرفی می‌کند. وهب‌بن‌جمیع می‌گوید: از حضرت صادق (علیه‌السلام) پرسیدم: این که خداوند به شیطان فرمود: ﴿قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ؛ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾^۳ چه زمانی است؟ حضرت فرمود: «آیا پنداشته‌اند این روز، قیامت است؟! خداوند تا روز قیام قائم ما به شیطان مهلت داده است. وقتی خداوند او را برانگیزد به مسجد کوفه رفته و در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوی خود راه می‌رود به آن‌جا آمده می‌گوید: ای وای بر من از امروز! پس حضرت مهدی (علیه‌السلام) موی پیشانی او را می‌گیرد و گردنش را می‌زند و آن هنگام، روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می‌رسد»^۴.

نتایج مقاله

امید به آینده‌ای روشن، جنبه‌ی فردی، اجتماعی، دینی و فلسفی دارد و آرزوی همیشگی بشر رسیدن به دورانی است که رهبری معنوی و به دور از امیال و خطا، حکومت اخلاق را جایگزین کثرتی‌های بشریت کند. برای آشنایی با مختصات این روزگار، دین بهترین گزینه است، چه این که آینده از مصادیق غیب بوده و ارتباط ما با متافیزیک تنها از طریق آموزه‌های وحیانی امکان پذیر است، در غیر این صورت نمی‌توان به دریافتی مطمئن از آینده دست یافت.

مسیحیت با محور بازگشت عیسی (علیه‌السلام) به تبیین آینده می‌پردازد و هم‌چون اسلام، آینده‌ای روشن بعد از طی شدن شب‌های ظلمانی برای بشر، خبر می‌دهد که طی آن حضرت عیسی (علیه‌السلام) به عنوان منجی

^۱. همان، ۲۲ - ۲۷.

^۲. متی: ۵، ۳ - ۱۰.

^۳. الحجر، ۳۷ - ۳۸.

^۴. عیاشی، التفسیر، ج ۲، ص ۲۴۳.

بازگشته و ملکوت خدا که همان حکومت خداوند است را به اجرا درخواهد آورد. از دیگر سو در اسلام شاهد بازگشت مسیح (علیه السلام) و ظهور امام زمان (علیه السلام) هستیم که این دو در کنار هم اما به رهبری موعود ادیان، امام زمان (علیه السلام) عدالت و امنیت را به بشر هدیه خواهند کرد از این رو اندیشه‌ی اعتقاد به نجات بخش، بارزترین اشتراک این دو بینش است و نقطه‌ی عطف این تطبیق بازگشت پسر انسان یا مسیح (علیه السلام) است. هر دو آیین از شرایطی نامناسب قبل از ظهور منجی گزارش می‌دهند به گونه‌ای که بشر شاهد بروز حوادث طبیعی، جنگ و خونریزی، بی عدالتی، حق کشی، انحراف و فساد، مرگ و میر فراوان و انحرافات فراوان اخلاقی است، با این حال باید امیدوارانه زندگی کند و به تکلیف خویش عمل کند و هرگز از رحمت الاهی ناامید نشود تا بامدادروشن به یک باره تحقق می‌یابد، امنیت را به جهان و اجتماع برگرداند تا جایی که شاهد تغییراتی بنیادی در آسمان و زمین و ساکنان آن باشیم. این مهم رخ نمی‌دهد مگر زمانی که عقل آدمی به کمال رسیده و یاران حکومت عدالت- که پیروی از رهبر الاهی خود را به هیچ چیز نمی‌فروشدند- در از میان بردن کژی‌ها از جان خویش بگذرند و دجال که دشمن منجی موعود است را شکست دهند تا هرگز بدی و نمادی از بدی در دنیا باقی نماند.

منابع و مأخذ:

- قرآن مجید
- ترجمه‌ی کتاب مقدس، انتشارات ایلام، چاپ سوم، ۲۰۰۲ م.
- اربلی، علی بن عیسی (۶۹۳ ق)، کشف الغمّه، مکتبه بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق.
- پوراسماعیل، احسان، آینده‌ی بشریت از دیدگاه قرآن و عهد جدید، (پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد)، تهران، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
- حموی، یاقوت، معجم البلدان، دار احیاء التراث العربی بیروت، ۱۹۷۹ م.
- حمیری قمی، عبدالله بن جعفر (قرن سوم)، قرب الاسناد، انتشارات کتابخانه نینوی، تهران، بی تا.
- خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الاثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، مصحح: عبد اللطیف حسینی کوهکمری، قم، بیدار، ۱۴۰۱ ق.
- خزاز قمی، علی بن محمد (قرن ۴ ق)، کفایة الاثر، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
- رفیق دوست، رضا و پوراسماعیل، احسان، «پیش‌گویی قرآن درباره‌ی آینده»، پژوهش نامه‌ی قرآن و حدیث، شماره‌ی دوم، ۱۳۸۶ ش.
- کلینی (شیخ)، محمد بن یعقوب، الکافی، انتشارات اسوه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
- سلمی سمرقندی، ابوالنصر محمد بن مسعود بن عیّاش (اوائل قرن ۴)، تفسیر العیاشی، تحقیق: سید محمد حسین الطباطبائی، تصحیح: تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
- (شیخ)، ابن بابویه محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۹۰ ق. ۱۹۷۰ م.
- همو، کمال الدین و تمام النعمه، بی جا، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ق.
- همو، علل الشرائع، انتشارات مکتبه‌ی الداوری، قم، بی تا.

- همو، *لامالی*، انتشارات کتابخانه اسلامیة، ۱۳۶۲ ش.
- قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم (قرن سوم هجری)، *تفسیر قمی*، مؤسسه دار الکتاب، قم، ۱۴۰۴ ق.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۲۹۴ ق)، *ینابیع المودّة*، تحقیق: محمّد مهدی الخراسان، دار الکتب العراقیّة، ۱۳۸۵ ق، افست از چاپ نخست کتاب در استانبول، ۱۳۰۲ ق.
- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ ش.
- مجلسی (علامه)، محمدباقر، *بحار الانوار*، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق. ۱۹۸۳ م.
- مفید (شیخ)، محمّد بن محمّد بن النعمان العکبری البغدادی، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، ترجمه: محمّدباقر ساعدی خراسانی، کتابفروشی اسلامیّه، تهران، ۱۳۵۱ ش.
- طالعی، عبدالحسین، *ربیع الانام فی ادعیه خیر الانام*، میقات، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- طبرانی، أبو القاسم سلیمان بن أحمد (۳۶۰ ق)، *معجم الکبیر*، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- طبرسی ابو علی الفضل بن الحسن (۵۴۸ ق)، *اعلام الوری*، دار الکتب الاسلامیّه، تهران، بی تا.
- طبرسی، ابو منصور، احمد بن علی (قرن ششم)، *الاحتجاج*، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
- طوسی (شیخ)، ابو جعفر محمّد بن الحسن، *کتاب الغیبه*، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ ق.
- همو، *مصباح المتهجد و سلاح المتعبد*، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
- فقیه، محمّد، *سفینانی و نشانه های ظهور*، ترجمه ی شاهپور حسینی، موعود عصر علیه السلام، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، مصحح: محمدکاظم، تهران، مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- نعمانی، محمّد بن ابراهیم (قرن چهارم)، *الغیبه*، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.
- هاشمی شهیدی، سیّد اسدالله، *ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام*، مذاهب و ملل جهان، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ش.
- هاکس، جمیز، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- همامی، عباس و پوراسماعیل، احسان، «*تطبیق و مقایسه دجال در اسلام با آنتی کرایست در مسیحیت*»، پژوهش دینی، شماره ی شانزدهم، ۱۳۸۷ ش.